

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

گروه علوم اجتماعی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

رشته پژوهشگری علوم اجتماعی

عنوان:

**میزان دینداری دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مؤثر بر آن**

**در سال تحصیلی ۹۰-۸۹**

استاد راهنما:

**دکتر داریوش حیدری بیگوند**

استاد مشاور:

**دکتر حسین بهروان**

دانشجو:

**بابک نصیری**

دی ماه ۱۳۸۹

تقدیم به :

پدر صبور و مادر فداکارم که همواره شمع  
وجودشان چراغ راه زندگیم بوده است.

## تقدیر و تشکر

قبل از هر چیز بر خود لازم می‌دانم تا از راهنمایی‌ها و کمک‌های دلسوزانه اساتید ارجمندم، آقایان دکتر داریوش حیدری بیگوند، استاد راهنما و دکتر حسین بهروان، استاد مشاور این تحقیق، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم، عزیزانی که اگر راهنمایی‌های ایشان نبود این تحقیق به ثمر نمی‌رسید.



بسمه تعالی  
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: میزان دینداری دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

نام نویسنده: بابک نصیری

نام استاد(ان) راهنما: دکتر داریوش حیدری بیگوند

نام استاد(ان) مشاور: دکتر حسین بهروان

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

گروه: علوم اجتماعی

رشته تحصیلی: پژوهش علوم اجتماعی

تاریخ تصویب: ۸۸/۱۲/۱۷

تاریخ دفاع: ۸۹/۱۲/۹

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

تعداد صفحات: ۱۲۱

چکیده رساله/پایان نامه :

هدف تحقیق حاضر سنجش میزان دینداری دانشجویان و شناخت عوامل جامعه‌شناختی تأثیرگذار بر این دینداری می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ می‌باشد که تعداد آنها ۱۹۷۹۰ نفر است. ابزار سنجش پرسشنامه بوده و نمونه مورد استفاده، ۲۰۰ نفر از دانشجویان می‌باشند که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب مورد گزینش قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دینداری دانشجویان را می‌توان در حد متوسط به بالایی ارزیابی کرد (میانگین ۳/۵۷ در فاصله ۵-۱). متغیرهای اجتماعی شدن مذهبی و احساس محرومیت رابطه مستقیمی با دینداری داشتند و متغیرهای احساس بی‌عدالتی، طبقه اجتماعی-اقتصادی، سن و وضعیت تحصیلی رابطه معکوسی با متغیر وابسته (دینداری) داشتند. همچنین دینداری دانشجویان برحسب جنسیت آنان نیز متفاوت است. به‌طوری که میانگین نمره دینداری دختران در ابعاد چهارگانه دینداری و دینداری کل بیشتر از پسران بدست آمده است.

کلید واژه ها :

دینداری، اجتماعی‌شدن مذهبی، احساس بی‌عدالتی، احساس محرومیت، طبقه اجتماعی-اقتصادی

امضای استاد راهنما :

## فهرست مطالب

### فصل اول : کلیات

۱-۱- بیان مسئله	۲
۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق	۵
۳-۱- اهداف تحقیق	۷
۴-۱- تعریف مفاهیم	۷
۱-۴-۱- مفهوم دین	۷
۲-۴-۱- مفهوم دینداری	۱۱

### فصل دوم : تحلیل نظری

۱-۲- مقدمه	۲۰
۲-۲- مطالعات اکتشافی	۲۰
۳-۲- پیشینه تجربی پژوهش	۲۲
۱-۳-۲- تحقیقات داخلی	۲۳
۲-۳-۲- تحقیقات خارجی	۳۳
۳-۳-۲- خلاصه پیشینه‌ها	۳۵
۴-۲- مروری بر نظریات جامعه‌شناختی مرتبط	۳۸
۵-۲- تحلیل نظری	۵۰
۶-۲- فرضیه‌های تحقیق	۵۶
۷-۲- مدل تحلیل	۵۷

### فصل سوم : روش تحقیق

۱-۳- مقدمه	۵۹
۲-۳- روش پژوهش	۵۹
۳-۳- جامعه آماری	۵۹
۴-۳- حجم نمونه	۶۰
۵-۳- شیوه نمونه‌گیری	۶۲

۶۳	۳-۶- ابزار گردآوری اطلاعات
۶۴	۳-۷- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها
۶۴	۳-۷-۱- متغیر وابسته (دینداری)
۶۸	۳-۷-۲- متغیرهای مستقل
۶۸	۳-۷-۲-۱- طبقه اجتماعی- اقتصادی
۷۰	۳-۷-۲-۲- اجتماعی شدن مذهبی
۷۲	۳-۷-۲-۳- احساس محرومیت
۷۴	۳-۷-۲-۴- احساس بی عدالتی
۷۵	۳-۷-۲-۵- سن
۷۵	۳-۷-۲-۶- جنسیت
۷۵	۳-۷-۲-۷- سنوات تحصیل
۷۵	۳-۸- روایی ابزار سنجش
۷۶	۳-۹- پایایی سنجش‌های پژوهش
۷۶	۳-۱۰- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده‌ها

۷۹	۴-۱- مقدمه
۷۹	۴-۲- ویژگی‌های پاسخگویان
۸۱	۴-۳- سطح دینداری دانشجویان در ابعاد چهارگانه دینداری
۸۲	۴-۴- سطح دینداری دانشجویان در شاخص دینداری کل
۸۳	۴-۵- توزیع نسبی متغیرهای مستقل در بین دانشجویان
۸۵	۴-۶- سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل با ابعاد چهارگانه دینداری
۸۷	۴-۷- سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و شاخص دینداری کل
۹۱	۴-۸- همبستگی میان متغیرهای مستقل پژوهش
۹۲	۴-۹- تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون فرضیات
۹۵	۴-۱۰- تحلیل مسیر

۹۶..... ۴-۱۰-۱- مراحل انجام تحلیل مسیر

۹۸..... ۴-۱۰-۲- مدل مسیر

### فصل پنجم : بحث و نتیجه‌گیری

۱۰۱..... ۵-۱- بحث و نتیجه‌گیری

۱۰۶..... ۵-۲- راهکارها و پیشنهادات

۱۰۹..... فهرست منابع و مآخذ

۱۱۵..... پیوست



## فهرست جداول

- جدول ۱-۱- مدل سنجش دینداری در سنجه گلاک و استارک ..... ۱۴
- جدول ۲-۱- مدل سنجش دینداری در سنجه شجاعی زند ..... ۱۵
- جدول ۱-۲- خلاصه پیشینه‌ها ..... ۳۷
- جدول ۱-۳- جامعه آماری به تفکیک دانشکده و جنسیت ..... ۶۰
- جدول ۲-۳- برآورد حجم نمونه با استفاده از روش طبقه‌ای متناسب ..... ۶۱
- جدول ۳-۳- توزیع حجم نمونه به تفکیک دانشکده‌ها ..... ۶۲
- جدول ۴-۳- عملی سازی بعد اعتقادی دینداری و گویه‌های مربوط به آن ..... ۶۶
- جدول ۵-۳- عملی سازی بعد تجربی دینداری و گویه‌های مربوط به آن ..... ۶۶
- جدول ۶-۳- عملی سازی بعد مناسکی دینداری و گویه‌های مربوط به آن ..... ۶۷
- جدول ۷-۳- عملی سازی بعد پیامدی دینداری و گویه‌های مربوط به آن ..... ۶۷
- جدول ۸-۳- عملی سازی اجتماعی شدن مذهبی در خانواده و گویه‌های مربوط به آن ..... ۷۱
- جدول ۹-۳- عملی سازی اجتماعی شدن مذهبی از طرف مدرسه و گویه‌های مربوط به آن ..... ۷۱
- جدول ۱۰-۳- عملی سازی بعد اجتماعی احساس محرومیت و گویه‌های مربوط به آن ..... ۷۳
- جدول ۱۱-۳- عملی سازی بعد اقتصادی احساس محرومیت و گویه‌های مربوط به آن ..... ۷۳
- جدول ۱۲-۳- عملی سازی بعد ارگانسمی احساس محرومیت و گویه‌های مربوط به آن ..... ۷۳
- جدول ۱۳-۳- عملی سازی متغیر احساس بی‌عدالتی و گویه‌های مربوط به آن ..... ۷۴
- جدول ۱۴-۳- محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای سازه‌های پژوهش ..... ۷۷
- جدول ۱-۴- توزیع نسبی دانشجویان بر اساس ویژگی‌های فردی ..... ۷۹
- جدول ۲-۴- پراکندگی متغیرهای کمی زمینه‌ای در میان دانشجویان ..... ۸۰
- جدول ۳-۴- میزان دینداری دانشجویان در ابعاد چهارگانه دینداری ..... ۸۱
- جدول ۴-۴- میزان دینداری دانشجویان به لحاظ شاخص دینداری کل ..... ۸۲
- جدول ۵-۴- توزیع متغیرهای مستقل در میان دانشجویان ..... ۸۳
- جدول ۶-۴- توزیع متغیر سنوات تحصیل دانشجویان ..... ۸۴
- جدول ۷-۴- توزیع دانشجویان بر حسب طبقه اجتماعی-اقتصادی ..... ۸۵

- جدول ۴-۸- همبستگی میان متغیرهای مستقل و ابعاد دینداری ..... ۸۵
- جدول ۴-۹- همبستگی میان متغیرهای مستقل و میزان دینداری کل ..... ۸۷
- جدول ۴-۱۰- مقایسه میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در ابعاد مختلف دینداری ..... ۹۰
- جدول ۴-۱۱- مقایسه میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در شاخص دینداری کل ..... ۹۰
- جدول ۴-۱۲- همبستگی میان متغیرهای مستقل پژوهش ..... ۹۱
- جدول ۴-۱۳- مقایسه میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیر احساس محرومیت ..... ۹۲
- جدول ۴-۱۴- مقایسه میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در متغیر احساس بی‌عدالتی ..... ۹۲
- جدول ۴-۱۵- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی دینداری دانشجویان ..... ۹۳
- جدول ۴-۱۶- ضرایب مسیر هر کدام از متغیرهای پژوهش در مراحل تحلیل مسیر ..... ۹۶
- جدول ۴-۱۷- ضرایب مسیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل پژوهش ..... ۹۹

فصل اول

# کلیات

## ۱-۱- بیان مسئله

موضوع دینداری یا اصولاً پرداختن به بحث دیندار بودن یا نبودن جامعه یا افراد، بحثی است که از جهت سابقه به دهه ۱۹۶۰ در آمریکا باز می‌گردد و درست با همان دغدغه‌هایی که امروز ما با این سؤال روبرو هستیم، در آنجا هم متخصصان رشته‌ی جامعه‌شناسی، پژوهشگران اجتماعی و گاهی هم مدیران به این موضوع می‌پرداختند به طوری که در بیست سال اخیر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان دین، زمان قابل توجهی را صرف مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری دینداری یا تعهد مذهبی کرده‌اند (روف، ۱۹۷۹: ۱۷).

دین به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابعاد حیات اجتماعی به شمار می‌رود که به جرأت می‌توان گفت از آغاز حیات بشری یعنی از ابتدای شکل‌گیری بدوی‌ترین جوامع تا عصر حاضر همراه او بوده است. تعاریف گوناگونی از دین از طرف اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی ارائه شده است که هر یک در تعریف خود جنبه‌ای خاص از دین را مورد تأکید قرار داده‌اند. دورکیم در تعریف دین آن را به تمایز میان مقدس و نامقدس بسط می‌دهد، چنانکه می‌گوید: «دین عبارت است از دستگامی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی یعنی مجزا (از امور ناسوتی)، ممنوع، این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا (یا امت) متحد می‌کند» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳). اسپنسر در مورد دین می‌گوید: «اگر کیفیت دین را در خود تحقیق کنیم و عقاید و مراسم دینی را فراموش کنیم و اندکی گذشته و آینده را در نظر بگیریم می‌توانیم بگوییم دین غوطه‌وری در دریای اسرار است» (خدایارمجبی، ۱۳۴۲: ۳۸).

در سالهای اخیر با توجه به ظهور و گسترش مدرنیته کلیه نهادهای اجتماعی از جنبه‌های مختلفی دستخوش تغییرات چشم‌گیری شده‌اند که نهاد دین نیز یکی از آنهاست. لذا با توسعه نهادهای مدرن در جوامع در حال توسعه کلیه مناسبات و روابط موجود در بین نهادهای قبلی و فعلی دستخوش تحول و دگرگونی چشم‌گیری می‌شود که این امر نهاد دین را نیز شامل می‌شود. به طوری که «در دنیای مدرن رابطه دین با دیگر نهادهای

اجتماعی همان رابطه قبلی نیست، بلکه مجموعه آگاهی‌های همراه با نهادهای مدرن میزان دینداری و عوامل موثر بر دینداری افراد را تغییر می‌دهد» (توسلی، ۱۳۸۵: ۹۶).

قابل ذکر است که «یکی از عوامل مهم و موثر بر کارکرد مطلوب هر نظام از جمله نظام دینی، به شناسایی و علت‌یابی آسیب‌های آن ارتباط دارد. بی‌توجهی به آسیب یک عنصر مشخص در هر نظام نه تنها منجر به تشدید آسیب آن خواهد شد، بلکه بر اساس اصل ارتباط متقابل عناصر به اختلال و ایجاد آسیب در سایر عناصر نیز خواهد انجامید» (خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۴۸). در نتیجه آسیب‌شناسی نظام‌های اجتماعی اعم از خرد و کلان که نظام دین نیز از این قاعده مستثنی نیست، به عنوان مسئله‌ایست که با ظهور و گسترش مدرنیته مطرح می‌شود.

پژوهش‌های چندی در داخل کشور در مورد دینداری دانشجویان انجام گرفته است به طوری که تقریباً نتایج همه این پژوهش‌ها حاکی از آن است که باور دینی دانشجویان در حد بالایی قرار دارد (میر سندسی، ۱۳۸۳) و پایبندی آن‌ها به اعمال فردی دینی در حد قابل قبولی است، اما پایبندی آن‌ها به اعمال جمعی دین در حد کم است (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۱۵). همچنین وجود گرایش‌های متعدد دینی در بین دانشجویان در اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مورد تأیید قرار گرفته است. برای مثال پژوهش‌های انجام شده در زمینه دینداری توسط غیاثوند (۱۳۸۴)، رجب زاده (۱۳۷۹)، سراج زاده و توکلی (۱۳۸۰)، کاظمی و فرجی (۱۳۸۱)، نشان دهنده این مسئله است که دینداری در ایران، دارای تغییرات و نوسانات زیادی بوده است.

همچنین قابل ذکر است که کشور ایران از ساختار جمعیتی جوانی برخوردار است. این امر خود خبر از نیروی بالقوه‌ای دارد که در کشورمان موجود است. جوان بودن جمعیت یک کشور از مزایای فراوانی برخوردار است، لیکن بهره‌وری از این نیروی بالقوه و به فعل رساندن آن طبیعتاً نیازمند یک برنامه‌ریزی جامع و کارآمد است تا این نسل جوان و توانایی‌های آن‌ها در مسیر شکوفایی و در راه پیشرفت کشور از هر لحاظ به کار

گرفته شود. در این میان دین به خودی خود عامل بسیار مهمی در ایجاد پیوند میان افراد جامعه است و با تقویت انسجام و همبستگی در همسو کردن و هدفمند کردن افراد جامعه موثر است و همچنانکه ذکر شد طبق نظر بسیاری از اندیشمندان دینداری همواره به عنوان یکی از متغیرهایی شناخته شده است که علاوه بر تقویت انسجام و همبستگی جمعی، نقش مهمی در کنترل درونی افراد بازی می‌کند و بنابراین عامل مهمی در جهت جلوگیری از انحرافات اجتماعی مختلف است.

لذا دور شدن مردم و بخصوص جوانان از دین یا تضعیف و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و باورهای دینی به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود. ناگفته پیداست که تضعیف دینداری خود می‌تواند بر گسترش سایر آسیب‌ها در جامعه منجر شود بدین دلیل که جامعه همچون کلی است که اجزاء مختلف آن در ارتباط متقابل با هم به سر می‌برند. لذا تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی جمعی در میان جوانان می‌تواند اولین شرط لازم برای ساماندهی این نیروی عظیم انسانی باشد، به همین دلیل دین می‌تواند ابزار کارآمدی در این زمینه برای رسیدن به اهداف مورد نیاز باشد. لازم به ذکر است که در حال حاضر بیش از ۳/۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را قشر دانشجو تشکیل می‌دهد، که بی شک بخش عظیمی از سرنوشت و آینده کشور به دست این افراد در مقام‌های مختلف رقم می‌خورد، لیکن این افراد برای اداره کشور و حتی زندگی فردی و اجتماعی خود علاوه بر تحصیلات و تخصص لازم، به یک نظام ارزشی منسجم و متناسب با فرهنگ و چارچوب هنجاری مسلط در جامعه می‌باشند، به همین دلیل نهاد دین اولین و مهمترین وسیله برای نظام‌مند کردن و هدفمند کردن این نظام ارزشی است و شناخت و بررسی میزان دینداری و شناسایی عوامل مختلف و چرایی و چگونگی تأثیر این عوامل بر روی دینداری، در امر نهادینه کردن دین در اجتماع و میان جوانان و مخصوصاً دانشجویان که قاعدتاً بخش مهمی از آینده کشور متأثر از این طیف است، به عنوان مسئله‌ای است که در حال حاضر مطرح است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان و عوامل موثر بردینداری دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد است. لذا این

تحقیق در پی پاسخ دادن به دو سوال اساسی است :

سوال اول : میزان دینداری دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۸۸-۸۹ چگونه است؟

سوال دوم : عوامل موثر بردینداری دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۸۸-۸۹ کدامند؟

## ۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

دین یکی از عمده‌ترین و فراگیرترین نهادهای اجتماعی در زندگی بشری است. «هیچ جامعه شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از دین وجود نداشته باشد، اگر چه اعتقادات و اعمال مذهبی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق می‌کند» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۱۲).

بسیاری از نظریه پردازان کلاسیک جامعه شناسی هر یک به نوبه خود به مطالعه در مورد دین پرداخته اند و هر کدام از آنها به نوعی بر اهمیت دین در زندگی اجتماعی تأکید ورزیده اند. ماکس وبر در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری به اهمیت و نقش دین در ظهور اقتصاد سرمایه داری تأکید کرده است. وبر دین را «پدیده محوری واقعیت اجتماعی در نظر می‌گرفت و از آن به عنوان عامل آغازین فرآیند تاریخی بشر یاد می‌کرد» (تامسون، ۱۳۸۱: ۳۵). امیل دورکیم با انتشار کتاب صور بنیانی حیات دینی در صدد نشان دادن اهمیت و کارکرد اجتماعی دین بر آمده است. کارل مارکس بر نقش اهمیت دین در شکل‌گیری خود آگاهی طبقات مختلف اجتماعی و نحوه تعریف جایگاه خود در طبقات اجتماعی تأکید کرده است.

دین به عنوان یک نظام اجتماعی ریشه در طبیعت بشری دارد به عبارتی دین تجلی و نمایش طبیعت انسان است، چنانکه دورکیم می‌گوید : «اصل موضوعه جامعه شناسی این است که هیچ نهاد بشری را نمی‌توان سراغ کرد که بر پایه خطا و دروغ نهاده شده باشد، وگرنه چگونه ممکن است دوام بیاورد. نهاد بشری اگر بنیادش در

طبیعت امور نباشد بی گمان به مقاومت‌هایی بر می‌خورد که توانایی چیره شدن بر آنها نیست» (دورکیم، ۱۳۸۳: ۳).

دورکیم در مورد دین معتقد است که: «نیرومندی اعتقاد دینی در یک جامعه موجب افزایش همبستگی اجتماعی، تقویت وجدان جمعی و جلوگیری از بروز انحرافات می‌شود» (کوزر، ۱۳۷۷: ۶۵). لذا دین و باورهای دینی به دلیل این که متضمن اعمال و رفتارهای دسته جمعی فراوانی است، نقش مهمی در ایجاد همبستگی و تداوم زندگی اجتماعی ایفا می‌کند.

اسچر<sup>۱</sup> در مورد اهمیت دین در سطح فردی معتقد است که: «گرایش‌های دینی و نگرش‌های مذهبی سلامت روانی انسان را بالا برده و نوعی امیدواری و احساس خوشبختی برای انسان به همراه دارد» (اسچر، ۱۹۸۷: ۱۸۹). به اعتقاد رزنتیل<sup>۲</sup> و کیفه<sup>۳</sup> در سطح فردی «دین به انسان نوعی احساس کنترل و کارآمدی می‌بخشد و می‌تواند کاهش یافتگی کنترل شخصی را جبران کند. دین نقش مهمی در رویارویی با استرس‌های زندگی دارد و می‌تواند بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند» (رزنتیل و کیفه، ۱۹۹۳: ۳۸).

با توجه به نظریات متخصصین جامعه‌شناسی در مورد اهمیت مسئله دینداری در جامعه و تأثیری که نهاد دین بر روی زندگی اجتماعی، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی دارد، پژوهش در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است. لیکن تمرکز اکثر پژوهش‌هایی که در مورد موضوع دینداری در داخل کشور به انجام رسیده‌اند، بر روی میزان دینداری افراد و اقبال مختلف جامعه بوده است و لذا پژوهشی که به طور جداگانه به عوامل جامعه‌شناختی تأثیرگذار بر دینداری افراد پرداخته باشد خیلی کم است. لذا خلأ و کمبود یک کار پژوهشی در زمینه میزان دینداری و خصوصاً علل و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر میزان دینداری و گرایش‌ها

---

<sup>۱</sup>M. F, Schere

<sup>۲</sup>A. K, Rosentiel

<sup>۳</sup>F. J, Keefe



دینی دانشجویان کاملاً احساس می‌شود. چرا که با شناسایی عوامل مختلفی که بر دینداری افراد تأثیر گذار است، می‌توان در بهبود سطح دینداری افراد جامعه گام‌های مفیدی برداشت.

### ۱-۳- اهداف تحقیق

سوال اساسی در این تحقیق شناسایی میزان دینداری دانشجویان و عوامل موثر بر دینداری آنان است که هدف این تحقیق یافتن پاسخ بدین سؤال است، لیکن این هدف کلی به اهداف جزئی زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- بررسی میزان و جهت ارتباط همبستگی بین متغیر دینداری و متغیرهای مستقل پژوهش.
- ۲- بررسی میزان و جهت ارتباط همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای همچون جنسیت، سن و طبقه با متغیر دینداری.

### ۱-۴- تعریف مفاهیم

#### ۱-۴-۱- مفهوم دین

تقریباً از سده نوزدهم به بعد تعاریف گوناگونی از دین توسط اندیشمندان رشته‌های مختلف ارائه شده است. بحث‌هایی که در سده نوزدهم میان انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره مسئله دین در گرفت روشن‌کننده بسیاری از جنبه‌ها و قضایای اساسی است که در تعریف دین دخیل‌اند.

ادوارد تایلر نخستین اندیشمندی بود که کوشید تعریفی از دین ارائه کند. وی در تعریف خود دین را عبارت از «اعتقاد به هستی‌های روحانی» می‌داند. در تعریفی که تایلر از دین به دست می‌دهد، نظام فکری دخیل است که او آن را «جاندارانگاری»<sup>۴</sup> نامیده است. بدین معنی که کلیه چیزها اعم از ارگانیک و غیر ارگانیک دارای روحی هستند که ماهیت و ویژگی‌های خاص آن را مشخص می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۱ و ۲۲).

پل تیلیش دین را عبارت از «نمادهایی می‌داند که حاوی مضمونی در رابطه با نهایت وجود و هستی هستند» (تیلیش، ۱۳۷۸: ۵۴). تیلیش در تشریح نمادهای دینی بیش از هر چیز بر دستگاه نمادین «زبان» تأکید می‌کند و

---

<sup>4</sup> Animism

می‌گوید: «بین نماد و نشانه تفاوت وجود دارد. هم نمادها و هم نشانه‌ها به چیزی ورای خودشان اشاره می‌کنند. تفاوت این دو که تفاوت بنیادینی است، آن است که نشانه‌ها به هیچ وجه در واقعیت و قدرت چیزی که بدان اشاره می‌کنند مشارکتی ندارند. ولی نمادها گرچه عین چیزی نیستند که آن را نماد پردازی کرده‌اند، اما در مفهوم و قدرت آن شریکند» (همان، ۶۲).

پیتر برگر در تعریف خود دین را به عنوان ایجاد کننده نظمی معنی‌دار در نظر گرفته و می‌گوید: «دین اقدامی انسانی است که بر اساس آن نظم مقدس ایجاد می‌شود. به بیانی دیگر، این نظم بخشیدن<sup>۵</sup> به شیوه‌ای مقدس است و مراد از مقدس در اینجا ویژگی و کیفیت نوعی قدرت راز آلود و مهیب است؛ قدرتی غیر از انسان و در عین حال مرتبط با او. اعتقاد بر این است که این قدرت در بعضی از امور که از سوی آدمی مورد تجربه قرار می‌گیرند، جای گرفته است... انسان با این نظم مقدس همچون واقعیتی بی اندازه قدرتمند و جدای از خویش مواجه می‌شود. در عین حال دین خود را به انسان نزدیک می‌سازد و حیاتش را در نظمی به غایت معنی‌دار به جریان می‌اندازد» (به نقل از تامسون، ۱۳۸۱: ۱۹).

تعریف دورکیم از دین در کتاب وی با عنوان «صور بنیانی حیات دینی»<sup>۶</sup> مبتنی است بر تمایز میان مقدس<sup>۷</sup> و نامقدس<sup>۸</sup> (دنیوی): «دین نظام یکپارچه‌ای از اعتقادات و اعمال مرتبط با امور مقدس است؛ یعنی اموری که حرمت یافته و ممنوعه‌اند، اعتقادات و اعمالی که همه کسانی را که به آنها عمل می‌کنند، در ضمن یک اجتماع اخلاقی موسوم به کلیسا با هم متحد می‌کند» (دورکیم، ۱۹۱۵: ۶۲).

به گفته کلیفورد گیرتز دین عبارت است از: «نظامی از نمادها که کارش استقرار حالتها و انگیزش‌های نیرومند، قانع کننده و پایدار در انسان‌ها، از طریق صورت بندی مفاهیم از نظم کلی جهان و پوشاندن این مفاهیم

---

<sup>5</sup> Cosmization

<sup>6</sup> The elementary forms of religious life

<sup>7</sup> Sacred

<sup>8</sup> Profane

با چنان هاله‌ای از واقعیت بودگی است که این حالت‌ها و انگیزش‌ها بسیار واقع بینانه به نظر می‌آیند» (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۴).

ریمون آرون معتقد است که: «دین شامل مجموعه‌ای از باورهاست که این باورها معمولاً توسط کلمات بیان می‌شوند. یعنی به صورت اندیشه‌ای در می‌آیند که کم و بیش شکل دستگاه فکری به خود گرفته است و فقط با اعمال که مظاهر و جلوه‌های باورها و شیوه‌های تجربه آنها هستند زنده می‌ماند و مشخص می‌گردد» (آرون، ۱۳۶۶: ۵۶).

کارل مارکس در نوشته‌های خود از دین با عنوان «افیون توده‌ها» یاد می‌کند. او دین را به عنوان یک توهم جبران کننده و آسودگی بخش در نظر می‌گیرد که سرانجام زمانی که انسان نیاز به توهم را از دست می‌دهد، این توهم‌ها نیز از بین می‌روند. از نظر مارکس نقد سیاسی و فلسفی دین بر تجزیه و تحلیل آن به عنوان یک واقعیت اجتماعی رجحان دارد» (ویلیم، ۱۳۷۷: ۷). مارکس با نگاه بدبینانه‌ای به دین و در واقع ایدئولوژی‌های دینی نگاه می‌کرد و آن را مانع رهایی انسان و ابزاری در دست قشر حاکم در جامعه می‌دانست. مارکس با اشاره به اینکه «ارزشهای مثبتی که در دین تجسم یافته، می‌تواند به صورت آرمانهای راهنمای بهبود سرنوشت بشریت در این جهان در آید، معتقد بود که دین در نهایت ناپدید خواهد شد» (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵۳).

پترسون در تعریفی دین را عبارت از «مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و عواطف فردی و جمعی دانست که حول تجربه حقیقت غایی یا امر قدسی سامان یافته است، بطوری که حقیقت غایی را با توجه به تفاوت ادیان با یکدیگر می‌توان یگانه یا متکثر، مشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیر الوهی و نظیر آن تلقی کرد» (پترسون، ۱۳۷۷: ۲۰).

پیتراکستون خاطر نشان می‌کند که یک واریسی از تعاریف ارائه شده از دین نشان دهنده آن است که تفاسیر متنوعی از دین وجود دارد. لذا او ویژگیها و خصوصیات را بر می‌شمرد که از آنها به عنوان مشخصه‌های دین

ساز یاد می‌کند : ۱- اعتقاد به موجودات فوق طبیعی (خدایان) ۲- تفکیک میان اشیاء مقدس و غیرمقدس ۳- اعمال و مناسکی که بر امور مقدس تکیه دارند ۴- قانون اخلاقی که اعتقاد به مصوب بودن آن از ناحیه خدایان وجود داشته باشد ۵- احساساتی که مشخصه دینی دارد، که به نظر می‌رسد در محضر امور قدسی و در خلال انجام مراسم سر بر می‌آورند و به تصورات مربوط به خدایان ربط پیدا می‌کنند ۶- دعا و دیگر صورت‌های ارتباط با خدا ۷- یک جهان‌بینی یا یک تصویر عام از جهان به عنوان یک کل و موقعیت فرد در آن ۸- نظامی کم و بیش کامل در مورد حیات فرد که بر جهان‌بینی مبتنی است ۹- یک گروه اجتماعی که امور فوق آنها را به هم پیوسته است (میر، ۱۳۸۰ : ۳۰ و ۳۱).

رابرتسون در تعریف دین می‌گوید : « فرهنگ مذهبی به یک رشته از باور داشت‌ها و نمادها و ارزشهای مستقیمی ناشی از آنها اطلاق می‌شود که شامل تمایزی میان امر تجربی و امر فرا تجربی یا واقعیت متعالی می‌باشند؛ در اینجا امور تجربی نسبت به امور غیر تجربی دارای اهمیت کمتری هستند. همچنین رابرتسون در تعریف کنش مذهبی آن را به عنوان کنشی که بر مبنای بازشناخت تمایز تجربی از فرا تجربی شکل می‌گیرد در نظر می‌گیرد» (همیلتون، ۱۳۷۷ : ۲۸).

اکثر تعاریف ارائه شده از طرف اندیشمندان مختلف در مورد دینداری، به لحاظ ماهیت تعاریف به دو گروه تعریف تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از تعاریف جوهری<sup>۱</sup> و کارکردی<sup>۲</sup>. آن دسته از تعاریف که تحت عنوان تعاریف جوهری از آنها یاد می‌شود، بیشتر به ماهیت دین توجه دارند و دین را به همان ترتیبی که مردم آن را می‌فهمند، تعریف کرده‌اند. به طوری که این تعاریف دین را مجموعه‌ای از باورها و مناسک می‌دانند که ناظر به موجودات مقدس و متعالی و الگوهای اجتماعی ارتباط با آنهاست (گریل و توماس، ۱۹۹۴ : ۳). مانند تعاریف ارائه شده از طرف تایلر، پل تیلیش، آرون، پترسون و رابرتسون. در مقابل تعاریف کارکردی توجه‌شان بر انواع

---

<sup>1</sup>Essential  
<sup>2</sup>Functional